

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

* در میان مردم و خانواده زندانیان از ۵۰۰۰ کشته صحبت می شود

این فاجعه ملی، در میان مردم و خانواده زندانیان سیاسی از ۵۰۰۰ کشته صحبت میشود.

کشتار در همه جا

همه جا هزاداری است، در هر شهر و هر کوچه ای سوگواری برپاست، در خانه های خانواده های زندانیان سیاسی قفل شده است. بقیه در صفحه ۲

که هنوز حیرت بر دیگر احساسات چیره است. شمار زندانیانی که به قتل رسیده اند، هنوز به دقت روشن نیست. اما همه خبرها، و گزارش ها حاکی است که این شمار بسیار فراتر از برآوردهای پیشین است. تا اواخر هفته گذشته رقم کشته شدگان در حدود ۱۵۰۰ تن ارزیابی می شد. اما اینک بدنبال آشکارتر شدن نشانه های

فاجعه ملی تراژدی به تمامی تکوین یافته و کشتار زندانیان سیاسی به چنان حدی رسیده است که اینک دیگر به جز فاجعه ملی نام دیگری نمی توان بر آن نهاد. اکنون در بعضی از زندانها تنها عده انگشت شماری باقی مانده اند. فاجعه ای که رخ داده است، چنان ابعادی باور نکردنی دارد

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

در صفحه ۳

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
کشتار همگانی

زندانیان سیاسی ایران

یک فاجعه عظیم بشری است

در صفحه ۴

به ضمیمه:

فهرست اسامی گروهی از قربانیان
کشتار جمعی زندانیان سیاسی

وظیفه چیست؟

در صفحه ۶

در این مقاله می خوانید:

دوستان! همزمان و هم میهمان زمان را دریابیم، دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید." هر روز ده ها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای انشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

چنین کشتاری در جهان کم نظیر است

نظیر قتل عام جاری در زندان های سیاسی ایران، تاکید خاصی داشت. باید به همگان گفت: دریابید ایران را! باید گفت: ای جهانیان! در چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر خمینی چنان جنایتی علیه بشریت رواج داشت که آن را نمی توان با هیچ واژه ای توصیف کرد.

دریابید ایران را! در اینجا حمام خون به راه انداخته اند، در اینجا بشریت را سر می برند.

کشتار زندانیان سیاسی در این ابعاد در جهان کم نظیر است. به جنایات نازی ها می ماند که در ماه های آخر حیات ننگین خویش در زندانها وارد نگاه ها، آدمکشی را از حدی که خود برای آن قائل بودند، فراتر بردند. پینوشه جلا د نیز نتوانست مثل خمینی کشتار کند، رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی نیز، در تبلیغات بین المللی باید بر روی کم سابقه بودن کشتارهایی

دیگر حتی سخن بر سر محاکمات ناعادلانه نیست، سخن حتی بر سر آن نیست که کسی را بی محاکمه سال هادر زندان نگه داشته اند، کسانی را که خودشان به دو سال، ده سال یا بیست سال اسارت محکوم کرده بودند، در برابر جوخه اعدام نهادند. اگر دستگیری جبارانه، اگر محاکمه ناعادلانه نامش نقض حقوق بشر باشد، پس این جنایت را چه باید نام نهاد؟ این طغیان علیه بشریت است. مطلق نابجای است؛ مطلق

بی قانونی است.



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

چهارشنبه ۹ آذر ۱۳۶۷ برابر ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸
بها ۲۰ ریال - سال پنجم

من هیمه ام، برادر خوبم...

نه آنکه فکر کنی سر داست که من در تهاجم کولاک یکجا تمام هیمه های جهان را انبار کرده ام، در پشت خانام و در تفکر یک باغ آتشم به تنهایی من هیمه ام برادر خوبم بشکن مرء، برای اجاق سر داتانت آتشم بزنی من هیمه ام برادر خوبم

(خسرو گلبرخی)

آری، ایان هیمه اند. می سوزند تا بسوزانند. حرارتشان را در همه جا احساس می کنیم. در جان و نتمان. و در جای جای میهن در خون نشسته ایم. آتشی دامن گسترند. برمی آیند و برمی دهند. خورشید آزادی از دل این آتش سر برمی کشد. و این آتش، این هیمه هایی که می سوزند، همه بر رزم خلق اشارت دارند و هر اس دشمن. بر این کشتار این گونه بنگر و تنها این گونه.

نه آنکه فکر کنی سر داست ...

اما چه اندوهی! چه سترگ اندوهی! هر خبری اشاره به کشتار جمع دیگری از فرزندان خلق دارد.

او نیز؟ آری و نیز... دیگر که؟ ... هر آن کس که می شناسی... پس که ماند؟ کسی نمیداند؟ ... همچنان می کشند... همه چارنگ هز ا دارد.

بگذار این اندوه بر جانمان نشیند! بگذار قلبمان را بشکند و سرشک از دیده مان سر آرز سازد. ای تمامی هوامط، ای تمامی احساسات، ای قلبهای پردرد، ای وجدانهای بیدار! او برادر من بود، خواهر من، همسر من، شوی من، فرزند من، مادر من، پدر من، یار من، رفیق من، بقیه در صفحه ۵

در صفحات دیگر می خوانید:

بر روی فرشی از خون
قراردادی بندند

در صفحه ۶

بر سر آتش کشتار
شعری از ه.ا. سایه

در صفحه ۵

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

بقیه از صفحه اول تک تک آنها خبر داده اند که چه بر سر همیزشان آورده اند. دژخیمان که تا همین چندی پیش از دادن هر اطلاع معینی ابامی کردند، اکنون خود به بسیاری از خانواده ها خبر می دهند که بیایند و باقیمانده وسایل زندانی را تحویل بگیرند. برخی دیگر از خانواده ها پس از مراجعه به زندان، نام فرزند خود را در لیست بالابلندی یافته اند که توسط دژخیمان با نام شهدای کشتار اخیر تنظیم شده است. به آنان که نام فرزندشان در این لیست یافته نشود، گفته می شود که برگردند و در تاریخ معین دیگری برای دریافت خبر و پس گرفتن وسایل بازگردند.

کشتار زندانیان سیاسی سرتاسری بوده است. هیچ شهری نیست که از این کشتار برکنار مانده باشد. در هر زندانی که در آن زندانی سیاسی وجود داشت، کشتار صورت گرفته است.

به اعدام شدگان هیچ حکم تازه ای ابلاغ نشده بود. دژخیمان با مراجعه به اتاق های زندان ها، به تناب زندانیان را دسته دسته بیرون کشیدند، سوار کامیون کردند و به میدان تیر بردند. بسیاری از اعدام شدگان سال های درازی زندانی بودند. در میان آنان کسانی یافت می شوند که از سال ۱۳۵۸ به بند کشیده شده بودند. برخی نیز به تازگی دستگیر شده و حتی مرحله بازجویی را نیز به تمامی طی نکرده بودند. عده ای از اعدام شدگان کسانی بودند که پیشتر محاکمه شده و به حبس های مختلف المدت می محکوم شده بودند. از مدت محکومیت بسیاری از آنان مدتها سپری شده بود و بسیار پیشتر می بایست آزاد میشدند.

اشکال مختلف کشتار زندانیان

کشتار زندانیان به اشکال مختلفی انجام شده است. بیشترین آنها به جوخه اعدام سپرده شدند. علاوه بر این در زندان اوین چندصد تن از زندانیان در سالنی قتل عام شدند که پیش از کشانده شدن بدانجا، بمب گذاری شده بود. پس از گردآوردن زندانیان در این سالن، بمبها را منفجر کرده و همگی را به قتل رساندند. گفته می شود یک گور

جمعی بزرگ که در گورستان خاوران با بتون پوشانده شده است، از آن این دسته از زندانیان است.

دسته ای دیگر از زندانیان را بر چوبه های داری که در ملاء عام در شهرهای کشور برپا کردند، حلق آویز ساختند. اجساد این قربانیان تا چندی بر چوبه های دار آویزان ماند. اعدام ها در شهر آمل و چند شهر در جنوب کشور بدینصورت صورت گرفت.

هم چنین شنیده شد که در مواردی به جای اعدام در میدان تیر، زندانیان را در داخل بند زندان به رگبار بستند. ۱۸۰ تن از زندانیان زندان اصفهان به این ترتیب کشته شدند؛ پاسداران مسلسل بدست به داخل بند ریختند و به سوی زندانیانی که دیگر دست از جان شسته و اعصاب فدا کرده بودند، آتش گشودند.

گسترده گی کشتار باور نکردنی است

کشتار زندانیان سیاسی چنان دامنه ای دارد که باور نکردنی است، بیسابقه است، حیرت انگیز است. ذکر نمونه هایی می تواند گویا باشد:

در زندان شهر ارومیه ۴۰۰ زندانی سیاسی را به قتل رساندند. در شهر کوچک گچساران ۸۰ زندانی سیاسی اعدام شده اند. در استان گیلان تنها از منطقه خمام ۱۱ نفر کشته شدند. در زندان کرمان بدنبال کشتار، جز نفراتی معدود، دیگر کسی باقی نمانده است. از همه شهرهای کشور خبرهایی با همین گسترده گی می رسد.

رذالتی فراتر از حدومرز

دژخیمان از تحویل اجساد کشته شدگان به خانواده هایشان سرباز می زنند. در بیشتر موارد از گور آنان نیز هیچ نشانی نمی دهند. اما در مواردی در برخی از شهرستان ها، اجساد شهدا را به خانواده هایشان تحویل داده اند.

در این موارد هم تحویل اجساد پس از اخذ مبالغی پول از خانواده ها صورت گرفت. در یکی از این موارد که در شهر گچساران اتفاق افتاد دژخیمان درازا تحویل هر جسد علاوه بر ۷۰۰ هزار ریال وجه نقد یک جعبه شیرینی به نشانه شادمانی مطالبه کردند. در برابر

امتناع خانواده ها از دادن شیرینی آنها را مجبور به پرداخت ۹۰۰ هزار ریال نمودند!

برای باقیمانده زندانیان، ممنوعیت ملاقات ادامه دارد

در بیشتر زندان های کشور برای باقیمانده زندانیان سیاسی ملاقات با خانواده ها همچنان ممنوع است. در طی چند هفته اخیر تنها در زندان های معدودی خانواده ها موفق به دیدن بستگان زندانی شان شده اند که از جمله این موارد در زندان های کارون اهواز و گهر دشت کرج بوده است. زندانیانی که در این دو زندان به دیدار اعضای خانواده شان موفق گردیدند، اجازه گفتگو نداشتند. همه آنها تکیده و رنجور بودند.

همبستگی ژرف تر با خانواده های زندانیان سیاسی

رویداد مهیب کشتار عمومی زندانیان برخلاف انتظار رژیم رعب را افزایش نداده است. در روزهای اخیر همبستگی خانواده های زندانیان ژرف تر شده و اشکال ابراز همبستگی مردم با آنان ارتقا یافته است. خانواده های زندانیان چه آنان که خبر مرگ همیزانشان را شنیده اند و چه آنها که هنوز بی خبر مانده اند، گروه گروه گرد می آیند، از خانه این شمید به منزل آن دیگری می روند؛ هر یک از آنان با گل سرخی برسینه. برای بازداشتن خانواده ها از برپایی مراسم یادبود، در تهران در مواردی پیش از تحویل وسایل آنان را وادار ساختند سند یک خانه را به گرو در نزد زندانبانان بگذارند. دژخیمان به خانواده ها اخطار کردند که در صورت برپایی مراسم یادبود، خانه ضبط خواهد شد. اما به رغم این تهدید، یادواره زندانیان در همه جا برگزار و به صحنه ابراز همیق ترین انزجار نسبت به رژیم سفاک خمینی تبدیل گردید.

دو خبر حاکی است که در گورستان خاوران تهران و

گورستانی در تبریز، از سوی خانواده ها تجمعی صورت گرفت که حاضرین با دادن شعارهای کوبنده علیه خمینی جلاد، این تجمع را به میتینگ علیه رژیم بدل کردند. حیرتی که با انتشار اخبار این جنایات باور نکردنی پدید آمده بود، اکنون هر چه بیشتر به انز جاری ژرف بدل می شود.

دستگیری های تازه

همزمان با کشتار زندانیان، گزافه های ساواک نیز به راه افتاده و دور تازه ای از دستگیری جمعی را آغاز کرده اند. بنا به یک خبر در وزارت اطلاعات اسامی زندانیان سیاسی در رژیم شاه و نیز کسانی که در رژیم جمهوری اسلامی سابقه دستگیری داشته اند و هم چنین تمام کسانی که اشتعار به هواداری از سازمان های اپوزیسیون داشته و یا مظنون به انجام فعالیت های علیه رژیم هستند، طبقه بندی شده و دستگیری سیستماتیک آنان شروع شده است. از دستگیری های تازه در سه هفته اخیر، خبرهای معینی از تهران و شهرهای استان های گیلان و آذربایجان رسیده است. علاوه بر این در تهران کنترل خیابانی افزایش کم سابقه ای یافته است و عده ای از رهگذران توسط اکیپ های گشت دستگیر شده اند.

کشتار ادامه دارد

خبرهایی که در لحظه تنظیم این گزارش بدست ما رسیده است حاکی است که کشتار بقیه زندانیان ادامه دارد. مطابق این اخبار تنی چند از کسانی که در هفته گذشته با اعضای خانواده شان ملاقات داشته اند، در این هفته تیرباران شدند و خبر مرگ آنان به بستگان شان داده شد. جان باقیمانده زندانیان سیاسی را مرگ تهدید می کند. هر روز که می گذرد، عده بیشتری کشته می شوند. برای نجات جان آنان هیچ لحظه و هیچ امکانی را نباید از دست داد.

کوچه ها، لبریز از تابو تهاست
هر نفس، مویذ زاندو هی زنی
ناید از آن دوستاق کین به گوش
غیر آهی جانگداز و شیونی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی پناخیزیم!

فقیه با فرد بر پیکر سازمان های ماقوت می گیرد . دشمن با قربانی گرفتن از صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، حزب توده ایران ، سازمان فدائیان خلق ایران (پیروان بیانیه ۱۶ آذر) ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، و دیگر احزاب و سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور ، حاکمیت جابرانه خود را تحکیم می بخشد . در برابر رژیم ولایت فقیه که با سرکوب ددمنشانه همه ما موجودیت ابلیسی خود را پاسداری می کند ، برهاسست که درفش یگانه ای برافرازیم و رزم مشترک و یکپارچه ای بپاکنیم . رزم مشترک ، مطالبه مردم ماست !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر همه سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور ، همه شخصیت های آزادیخواه و صلح دوست میهن را به بسط همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه وسیع در راه دستیابی به آماج های مشترک فرامی خواند .

ما همه نیرو های انقلابی و دموکراتیک کشور را دعوت می کنیم تا علیه جنایات رژیم خمینی دست در دست یکدیگر به اعتراض پرخیزیم و از جان زندانیان سیاسی کشور دفاع نمائیم .

مردم و نیرو های ترقیخواه جهان !

رژیم خمینی به تبهکاری ها و جنایت آفرینی های خود در میهن مصیبت دیده ما با بعد فاجعه باری داده است . اکنون این رژیم با فرافت از جنگ ۸ ساله ایران و عراق که میهن ما را به ویرانی کشاند و از مردم ایران و عراق میلیون ها کشته و معلول قربانی گرفت ، جنگی دیگر ، یک جنگ خانگی را علیه مردم و نیرو های انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن آنکه بار دیگر از پشتیبانی ثمربخشان از مبارزات صلح خواهانه مردم ما در پایان بخشیدن به فاجعه جنگ ایران و عراق صمیمانه قدر شناسی به عمل می آورد ، از مردم و همه نیرو های ترقیخواه و بشردوست جهان ، از احزاب انقلابی و دموکراتیک همه کشور ها می طلبد که به منظور متوقف ساختن جنگ خونبار تازه ای که رژیم خمینی علیه مردم و نیرو های انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است به اعتراض پرخیزند .

مردم جهان ! مجامع بین المللی ترقیخواه !

رژیم خمینی دشمن مردم ما ، دشمن زندگی توام با صلح و امنیت ، دشمن آزادی و ناقص ابتدایی ترین اصول منشور حقوق بشر است . اجازه ندهید که در زندان های جمهوری اسلامی کشتار نیرو های صلح دوست و آزادیخواه ایران ادامه یابد .

جنایات رژیم خمینی را محکوم سازید و علیه تبهکاری های آن به اعتراض پرخیزید !

ما از شما در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران استمداد می طلبیم .

نگ و نفرین بر تبهکاری های رژیم ولایت فقیه !
 در و داتشین به زندانیان سیاسی !
 افتخار جاودان به شهدای خلق !
 سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۸ آذر ماه ۶۷

جمهوری اسلامی با قتل عام زندانیان سیاسی ایران حمام خون پیا کرده است . طی روز های اخیر شمار بزرگی از زندانیان سیاسی در زندان های تهران ، اصفهان ، کرمان ، خرم آباد ، گیلان ، مازندران ، همدان و اهواز ، به جوخه های اعدام سپرده شده اند . برخی شواهد حاکی از شکار زندانیان سابق رژیم خمینی است . تبهکاری های رژیم خمینی دارای چنان ابعاد هولناکی است که قربانیان در گور های جمعی به خاک سپرده می شوند . بر این جنایات جز فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران نام دیگری نمی توان نهاد .

این جنایات بیانگر دشمنی پایان ناپذیر رژیم ولایت فقیه با نیرو های انقلابی و دموکراتیک کشور ، با صلح و آزادی ، سعادت و بهروزی مردم و حقوق بشر است .

مردم آزاده ایران !

کشتار بهترین فرزندان شما در زندان های رژیم خمینی ، یک بار دیگر چهره ضد مردمی و ضد بشری این رژیم خونخوار را با تمام کراهت و خشونت حیوانی آن به نمایش گذاشته است . جرم کسانی که این چنین وحشیانه در قتل گاه های رژیم خونبار خمینی سلاخی می شوند ، این است که در راه تحقق اهداف ترقیخواهانه انقلاب مردم ایران مبارزه کردند و همچنان از اهداف و آرمان مردمی شان به دفاع ایستادند .

آنها را به این دلیل به جوخه اعدام سپردند که مبارزان راه صلح و آزادی ، استقلال و عدالت ، بهروزی و سعادت مردم و میهن خود بوده اند . کشتار عام زندانیان سیاسی بیانگر دشمنی رژیم خمینی با اهداف ترقیخواهانه و خواست های حق طلبانه شماست .

رژیم نیز می داند که آینده از آن مردم و رهروان صدیق راه و آرمان مردم است . از این رو با توسل به حربه سرکوب و ترور از یکسو ، جنبش انقلابی مردم ایران را از فعالین و کادر های باتجربه محروم می کند و از سوی دیگر با پراکندن موج رعب و وحشت می کوشد در راه گسترش دامنه مبارزات مردم مانع بیافریند و ثمر بخشی مبارزاتشان را به تأخیر اندازد . رژیم خمینی حیات ددمنشانه خود را با مکیدن خون بهترین فرزندان شما تداوم می بخشد . علیه این جنایات به اعتراض پرخیزید . تنها راه متوقف ساختن تبهکاری های رژیم ، حضور رزمجویانه شما در صحنه های نبرد است . به دفاع از جان زندانیان سیاسی پناخیزید و اجازه ندهید بهترین فرزندان شما در پشت دیوار های بلند زندان های جمهوری اسلامی بدست خمینی جلاد و درخیمان حلقه به گوش آن سربه نیست شوند .

نیرو های انقلابی و دموکراتیک ایران !

تبهکاری های اخیر نیز تأییدکننده آنند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن مشترک همه نیرو های انقلابی و دموکراتیک میهن است و بر این واقعیت گواهی می دهند که مبارزه در راه سرنگونی این رژیم تنها راه دستیابی به آزادی و تضمین صلح در کشور می باشد . ترور و سرکوب لجام گسیخته رژیم فقا از جمله با بهره گیری از ضعف و پراکندگی سازمان های انقلابی و دموکراتیک ، سلطه سیاه و نکبتبار خود را گسترده است . در پس تبهکاری ها و جنایت آفرینی هایی که شاهدیم ، ضرورت تحکیم صفوف سازمان های ما و اتحاد عمل رزمجویانه همه سازمان ها و شخصیت های انقلابی و دموکراتیک کشور - قطع نظر از تفاوت های مسلکی و اختلافات سیاسی شان - با وضوح تمام نمایان شده و ما را به پاسخگویی بلا درنگ فرامی خواند .

مردم ما با خشم و نفرت شاهد آنند که ساطور خونچکان رژیم ولایت

جاودان باد خاطرۀ شهیدان به خون خفته خلق !

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در اروپا

کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، یک فاجعه عظیم بشری است

شهر ارومیه ۲۰۰ نفر تیرباران شده اند. این رقم تا ۴۰۰ نفر نیز ذکر شده است. در زندان اوین تهران بیشترین تعداد کشتار صورت گرفته است. در این زندان علاوه بر تیرباران هرروزه گروه گروه زندانیان سیاسی، در یک اقدام جنایتکارانه جمع کثیری از زندانیان سیاسی را در یک سالن مجتمع ساخته و بوسیله انفجار بمب و تخریب سالن آنها را به قتل رسانده اند.

مامورین جنایتکار حکومت فقها از آنجا که در قتل عام زندانیان سیاسی ایجاد رعب و وحشت در مردم را نیز در نظر دارند، همه جادر بر خورد با خانواده های زندانیان سیاسی هلائو رسماً هدف خود دایر بر کشتار همگانی زندانیان سیاسی را ابراز می دارند.

موج دستگیری های جدید نیز افزایش یافته است و برخی از کسانی که قبلاً زندانی سیاسی بوده اند نیز مجدداً بازداشت شده اند. داس مرگ در خارج از زندان نیز بر فراز سر زندانیان رها شده از بند خمینی در حرکت است.

آنچه که در هفته های اخیر در زندان های کشور ما گذشته است و هم اکنون نیز در جریان است در تاریخ چنددهه اخیر جهان کم سابقه است.

چنین جنایت عظیمی را عکس العملی در خور لازم است. ما همه نیروهای دموکراتیک جهان، همه رسانه های گروهی بین المللی، همه شخصیت ها و سازمان های مدافع حقوق بشر را به مقابله با این طغیان رژیم خمینی علیه بشریت و حقوق بشر، و به تلاش برای نجات جان باقیمانده زندانیان سیاسی ایران فرا می خوانیم.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

در اروپا

۱۹۸۸/۱۱/۳۰

قتل عام زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جنایتکار خمینی که از چندی پیش آغاز شده بود، در دو هفته اخیر در تداوم خود چنان ابعادی یافته است که سخن از نابودی همگی زندانیان سیاسی در ایران است. آخرین خبرهای دریافتی ابعادی باور نکردنی از کشتار زندانیان تصویر می کند. شمار زندانیان اعدام شده طی هفته های اخیر از زندان های مختلف کشور به چند هزار نفر می رسد. به علت اینکه هنوز رژیم خمینی از دادن خبر اعدام به بسیاری از خانواده های زندانیان سر باز می زند و نیز به علت تداوم کشتار و تدقیق شمار قربانیان این کشتار و اعلام اسامی همگی آنها مقدور نیست. لیست اسامی عده ای از قربانیان این کشتار که تا این لحظه بدست ما رسیده است ضمیمه است که تکمیل و تدقیق آن بخاطر گستردگی کشتار محتاج زمان بیشتری است. کشتاری این همه گسترده که مشابه آن تنها در اردوگاه های مرگ فاشیسم هیتلری دیده شده است، یک فاجعه عظیم بشری محسوب می شود. هر محله و هر کوچه در ایران عزادار یک یا چند زندانی در خون تپیده است.

کشتار جمعی زندانیان سیاسی در زندان های تهران، اصفهان، کرمان، خرم آباد، گیلان، مازندران، همدان، اهواز، گچساران، ارومیه، تبریز و زندان های چندین شهر و منطقه دیگر ایران صورت گرفته است. این اعدام ها به اشکال متفاوت صورت گرفته است. اکثر آنان تیرباران شده و در گورهای جمعی دفن شده اند. در دو گور جمعی گورستان خاوران ۳۰۰ زندانی سیاسی دفن شده اند. خبرها حاکی از شناخته شدن چند گورستان مخفی است. در شهر آمل تعدادی از زندانیان سیاسی را در مرکز شهر به دار آویخته اند. در زندان اصفهان ۸۰ نفر از زندانیان سیاسی که در حالت اعتصاب غذا بسر می بردند، توسط مامورین سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی به رگبار بسته شده و کشته شده اند. در خبر دیگری رقم کشته شدگان زندان اصفهان ۱۵۰ نفر ذکر شده است.

فهرست اسامی گروهی از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

- | | |
|---------------------------------|------------------------|
| ۱- آتیک | ۲۸- محمدحاتمی |
| ۲- حیم آیت الله زاده شیرازی | ۲۹- هدایت حاتمی |
| ۳- مسعود داخگر | ۳۰- عباس حجری |
| ۴- اشرف احمدی | ۳۱- مهدی حسینی پاک |
| ۵- سر هنگ ابو القاسم افرایی | ۳۲- حمید حقی منیع |
| ۶- ناصر الماسیان | ۳۳- شافقی حسین پور |
| ۷- پرویز الهی | ۳۴- حیم حسین پور |
| ۸- پرویز الهی | ۳۵- علی نقی حمیدیان |
| ۹- ابو تراب باقرزاده | ۳۶- کریم حیدر نژاد |
| ۱۰- عبدالعظیم باقری | ۳۷- ظفر حیدری |
| ۱۱- بخت آبادی | ۳۸- ابو الحسن خطیب |
| ۱۲- دکتر فریبرز بقایی | ۳۹- علی اکبر خطیب |
| ۱۳- منوچهر بهزادی | ۴۰- خطیبی |
| ۱۴- سیامک بهزادی | ۴۱- فرزاد دادگر |
| ۱۵- محمود دبه کیش | ۴۲- دکتر احمد دانش |
| ۱۶- حسین بیگدلی | ۴۳- اسدالله داریک بندی |
| ۱۷- ناخدا محسن بیدگلی | ۴۴- محمددریاباری |
| ۱۸- مهر دادپناهی شبستری | ۴۵- اسماعیل ذوالقدر |
| ۱۹- اسماعیل پور محمدی | ۴۶- محمد جالی |
| ۲۰- اسدالله پنجه شاهی | ۴۷- حقیقیان رودری |
| ۲۱- حمید تاج الدینی | ۴۸- جعفر ریاحی |
| ۲۲- علیرضا تشید | ۴۹- محمد ریاحی |
| ۲۳- احمد ثقلینی | ۵۰- آصف رزم دیده |
| ۲۴- دکتر جاوید پور | ۵۱- تیمور راوونی |
| ۲۵- سیف الله جاویدفر | ۵۲- روشن زاده |
| ۲۶- حسین جلالی | ۵۳- محمد زار جالی فر |
| ۲۷- حسین جودت | |
| ۷۹- سیامک قلم بر | ۵۴- سیدرو فنی |
| ۸۰- بعمن قنبری | ۵۵- عزت الله زارع |
| ۸۱- سعید کاظمی | ۵۶- علی زمر دیان |
| ۸۲- هوشنگ کامرانی میهنی | ۵۷- حسین سیاه قلم |
| ۸۳- دکتر گرگانی | ۵۸- سروان شفیق پور |
| ۸۴- سعید متین | ۵۹- مجید شمس آباد |
| ۸۵- مجتبی محسنی | ۶۰- حسین شهیدی |
| ۸۶- نعمت محمدزاده | ۶۱- حیم شمس |
| ۸۷- صابر محمدزاده | ۶۲- اکبر صادقی بناب |
| ۸۸- مجتبی مطلع سرابی | ۶۳- فریبرز صالحی |
| ۸۹- حمید منتظری | ۶۴- عبدالعظیم صبوری |
| ۹۰- مهر داد مطلق | ۶۵- حسین صدراپی |
| ۹۱- فرج الله میزانی (جوانشیر) | ۶۶- علی صدراپی |
| ۹۲- زاهر ادیان | ۶۷- حسن صداقت پور |
| ۹۳- میرشکاری | ۶۸- حسین صراف پور |
| ۹۴- میرزایی | ۶۹- ناصر عطایی |
| ۹۵- حسن نصارا | ۷۰- سیف الله فیائوند |
| ۹۶- امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین) | ۷۱- مهر داد فرجاد آراد |
| ۹۷- بیژن نعمان پور | ۷۲- فنایی فر |
| ۹۸- ناصر نوروزی | ۷۳- رضا فیاض پور |
| ۹۹- جعفر هوشمند | ۷۴- حسین قاسم نژاد |
| ۱۰۰- محمود دوشی | ۷۵- حسین قلم بر |
| ۱۰۱- کاظم همدانیان | ۷۶- داوود قریشی |
| ۱۰۲- داریوش یوسنی | ۷۷- زهره قاضی |
| ۱۰۳- ... | ۷۸- ساسان قندی |

من همیشه ام، برادر خوبم...

بقیه از صحنه اول

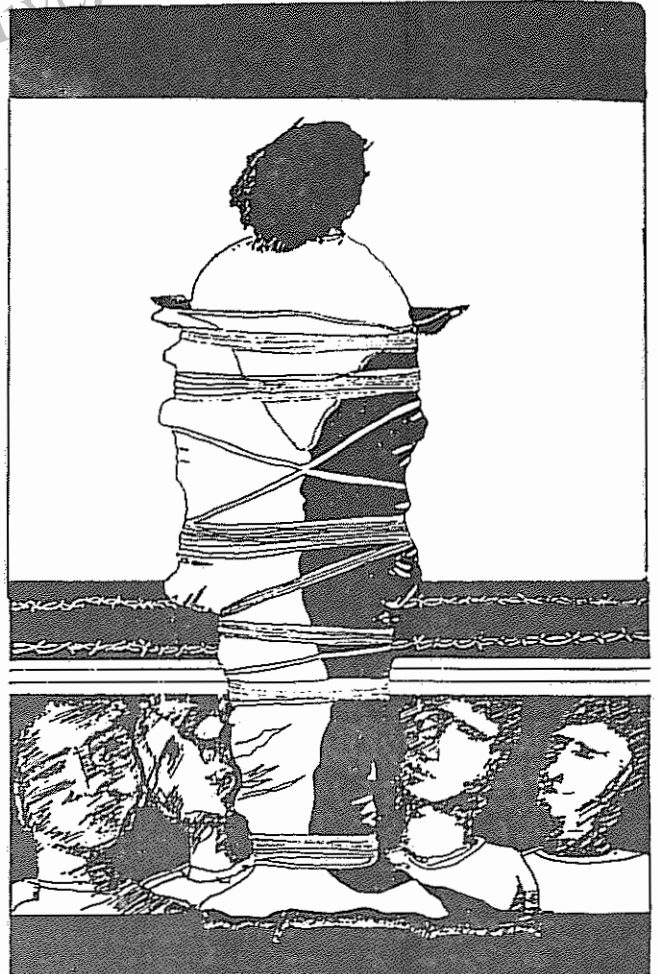
همرزم من، نه یکی، که
ده تن، و نه ده که صد، و
نه صد که هزار،
بگذار این درد استخوانان را
بسوزاند، اگر در جهان چیزی
مقدس است این اندوه است و
کینه‌ای که از آن سر برمی‌کشد،
آری هر همیشه‌ای که می‌سوزد، یک
باغ آتش است، روشن کن تو نیز
اتاق را، روشن کن! همه روشن
کنیم اجاق سرد اتاقمان را، اگر
فروزان است، فروزان ترش
کنیم، می‌بینی؟ می‌بینی؟ نه آنکه
فکر کنی سرد است، همه جا آتش
است، خاوران گر گرفته است،
اوین منقعر می‌شود، گوهر دشت
دشتی شعله‌ور است، بگیر از این
آتش! برقلبت نه! آگاهیت را
فروزان کن، و فریاد بزنی که به
جنگ آمده‌ام ای ظلمت مخوف ای
همه تاریکی‌های اعمار و ترون!
به محاکمهات می‌کشم! برای
فرزندتی که بی پدر

شد، به محاکمهات می‌کشم!
برای مادری که داغ برداشته‌ای،
به محاکمهات می‌کشم!
به خاطر هر شلاق که بر پیکر رفیق
همرزمی نشست،
به محاکمهات می‌کشم!
به خاطر گرسنگی‌ام، در بدری‌ام،
و سستی که بر این توده رنج
رومی داری،
و حالیا حرکت! در تهاجم
کولاک، تمام همیشه‌های جهان در
پشت خانها انبار است، در انتظار
چیستی؟ همیشه‌ها می‌سوزند،
گرمی گیرند و می‌سوزانند،
بپیوندیم بدین آتش، تابوتها را
بر فراز دستها بگیریم، بگردید
جهانیان! این سهم ماست برای
آنکه در جهان آزادی دامن گستر
شود، این سهم ماست، اجرش
دارید افتخار ماست، هزرت و شرف
ماست، شما نیز گرمی‌اش دارید،
از رزم ما پشتیبانی کنید، به دفاع از
جان زندانیان سیاسی ایران
برخیزید. □

بر سواد سنگفرش راه

با تمام خشم خویش،
با تمام نفرت دیوانه‌وار خویش،
می‌کشم فریاد:
ای جلاد!
ننگت باد!
آه، هنگامی که يك انسان
می‌کشد انسان دیگر را
می‌کشد در خویشتن
انسان بودن راه،
بشنو ای جلاد!
می‌رسد آخر
روز دیگرگون:
روز کیفی،
روز کین خواهی،
روز بار آوردن این شوره‌زار خون،
زیر این باران خونین
سین خواهد گشت پذر کین،
وین کویر خشک
بارور خواهد شد از گل‌های نفرین،
آه، هنگامی که خون از خشم سرکش
در تنور قلبها می‌گیرد آتش،
برق سرنیزه چه ناچیز است!
و خروش خلق،
هنگامی که می‌پیچد
چون طنین رعد از آفاق تا آفاق
چه دل‌ویز است!
بشنو، ای جلاد!
می‌خروشد خشم در شیپور،
می‌کوبد غضب بر مبلل
هر طرف سر می‌کشد عصیان
و درون بستر خونین خشم خلق
زاده می‌شود طوفان،
بشنو، ای جلاد!
و مپوشان چهره با دستان خون‌آلود!
می‌شناسندت به صد نقش و نشان مردم،
می‌درخشد زیر برق چکمه‌های تو
لکه‌های خون دامنگیر،
و به‌کوه و دشت پیچیدست
نام‌تنگین تو با هر «مردم‌پاد» خلق کیفرخواه،
و به‌جا ماندست از خون شهیدان
بر سواد سنگفرش راه
نقش يك فریاد:
ای جلاد!
ننگت باد!

هوا، سایه



وظیفه چیست؟

دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران، افشای جنایات رژیم خمینی در زندان ها، بازتاب دادن مقاومت انقلابیون اسیر و رزم آنها در دشوارترین شرایط و جلب توجه جهانیان به آنچه که در زندان های سیاسی کشور بلا دیده ایران می گذرد پای ثابت مبارزات ما در خارج از کشور است. این مبارزه بی وقفه جریان داشته و در افشای تبعکاری های رژیم خمینی تاکنون با دستاوردهای گرانقدری همراه بوده است. همچنان باید بر شتاب این مبارزه بیفزاییم، و خاصه در این روزها، در این روزها که رژیم در زندان ها دست به قتل عام زده است.

وظیفه ما افشای هر چه قویتر و هر چه سریعتر این جنایت بزرگ است. وظیفه ما آن است که تلاش ورزیم جهانیان دریابند در ایران چه فاجعه عظیمی صورت گرفته است. وظیفه ما فراخواندن جهانیان به دفاع از جان زندانیان سیاسی است.

هر چه متحدتر باشیم، حرکاتمان قویتر، پرامنتر و پر بازتابتر خواهد بود. مطلقاً پذیرفتنی نیست که اختلافات مانع اتحاد عمل سازمان های سیاسی برای افشای وسیع جنایات رژیم در زندان ها شود. ما به ستم خود به هر فراخوانی در دفاع از جان زندانیان سیاسی پاسخ مثبت می دهیم و با تمام وجود از هر حرکتی که در این زمینه صورت گیرد پشتیبانی می کنیم.

در شرایط کنونی که کشتار زندانیان در سطحی کیفی متفاوت از گذشته صورت می گیرد، نمی توان به اشکال متعارف افشاگری و اشکال رایج و هادی جلب توجه افکار عمومی جهانیان، بسنده کرد. اشکال متعارف - جمع آوری امضاء، برگزاری تظاهرات، اعتصاب غذا و نظایر اینها را باید بکار گرفت، اما باید در اندیشه ابتکاراتی پر بازتابتر بود. در این زمینه ابتکار عمل بخود فعالین سپرده می شود که با تحلیل دقیق و بررسی امکانات مختلف، نیکوترین آنها را انتخاب کنند. برای هر حرکتی باید تدارک کافی دید و بویژه نسبت به تضمین داشتن بازتاب وسیع و مثبت آن در رسانه های گروهی مطمئن بود.

باید هر چه سریع تر دست به عمل زد. طرح های پیچیده ممکن است کار آباشند، اما به دلیل طولانی بودن پروسه تدارک آنها امروزه بکار ما نیابند و برای نجات جان باقیمانده زندانیان موثر نشوند. ابتکارات مختلف، الکتروناتیو یکدیگر نیستند. نباید گفت یا آن یا این. اغلب میتوان همزمان چند حرکت را باهم پیش برد و آنها را مکمل یکدیگر کرد. باید حرکتی را از سازمان داد، تا از جمله طیف هر چه وسیعتری از ایرانیان در خارج از کشور، در آنها شرکت جویند.

۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. برای این روز باید تدارک ویژه ای دید. باید اشکال موثر تماس با سازمان های بین المللی ذیربط را پیدا کرد و تلاش روزی در روز ۱۰ دسامبر اذهان جهانیان بحد کافی متوجه پایمال شدن حقوق بشر در ایران شود.

از خارج نیز می توان به ستم خود در مبارزه داخل خاصه در بعد افشاگری موثر بود. همه باید برای کسب خبر از داخل بسیج شویم تا بتوانیم مجموعه جنایات رژیم را هر چه مشخص تر بر ملا کنیم. باید با خانواده های زندانیان سیاسی در تماس بود و برای خانواده های داغدار پیام تسلیت و همبستگی فرستاد. در هر تماسی که با ایران می گیریم، باید به ستم خود بگوئیم. اذهان همه آشنایان، دوستان و وابستگان را متوجه جنایات رژیم سازیم. باید اعلامیه هایی را که در رابطه با افشای قتل عام زندانیان سیاسی منتشر می شود، به شکل وسیع به ایران پست کنیم. در استفاده از این امکان قبل از آشنایان "سیاسی" باید ذهنمان متوجه طیف هر چه وسیعتری باشد.

دوستان! همزمان و هم میچنان زمان را دریابیم. دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستتان می آید، انجام دهید." هر روز ده ها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای افشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

بر روی فرش از خون، قرارداد می بندند

خندانی نگیرد و به همکاری هم دستور دهد که بنویسند توافق های اقتصادی و فرهنگی، "علیرغم اختلاف نظر در مورد حقوق بشر" حاصل شد. به نظر می رسد حضرات به موضوع "حقوق بشر"، آنجا که پای جمهوری اسلامی به میان می آید، بیشتر به عنوان یک تم بحث آکادمیک علاقه مندند تا چیزی دیگر. در سال ۶۳ نیز نتیجه مذاکرات گنشر در تهران، اعلام تشکیل یک "سمپوزیوم" در مورد حقوق بشر بود. طرفین، توافق کردند که "درک های متفاوتی از حقوق بشر" دارند. تفاوت امروز با سال ۶۳ این است که همق تراژدی دردناکی که روی داده مدعیان دروغین "حقوق بشر" را دیگر به صورت دلگد های بی مقدار دربار خلافت خمینی در آورده است.

در پارلمان آلمان فدرال، نسبت به این همه بی اهتتایی به ابتدایی ترین موازین اخلاق انسانی، نسبت به این همدستی آشکار با قاتلانی که تنها با میتلری ما قابل مقایسه اند، اعتراض به عمل آمد. نمایندگان سوسیال دمکراتها و سبزها، دو حزب اپوزیسیون حاضر در پارلمان، سفر گنشر و توافق های حاصله، آن هم در شرایطی اینچنینی را محکوم کردند.

این نخستین بار نیست که پوچی و دروغین بودن آزادیخواهی امپریالیست ها رخ می نماید. اما این نمونه، در نوع خود کم نظیر است: در حالیکه جو خه های اعدام شب و روز بکارند و از کشته پشته می سازند، "علیرغم اختلاف در مورد حقوق بشر" گام های بلندی در گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی برداشته می شود. مردم ما این تجربه را از یاد نخواهند برد. چشمان گریان مادران و همسران داغدار، هرگز نمایش صحنه های مراوده دوستانه میان فربیی ها و جنایتکارترین حکام جهان را فراموش نخواهند کرد.

فاجعه بزرگ در زندان های ایران، با تحولات دیگری که بنوبه خود میمند، همزمان شد. خبرها از این قرار است:

جمهوری اسلامی و بریتانیا برای از سرگیری روابط توافق کردند.

وزیر خارجه فرانسه بزودی به ایران خواهد رفت.

هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال در راس یک هیات بزرگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تهران سفر کرد و ضمن گفتگو با خامنه ای، رفسنجانی، موسوی و ولایتی، چند قرارداد اقتصادی و فرهنگی را امضا کرد.

رفسنجانی بار دیگر به مذاکره با آمریکا اظهار تمایل کرد.

همه چیز حاکی از این است که بزرگترین قدرتهای جهان سرمایه داری، با هماهنگی کامل سیاست بسط هر چه بیشتر روابط با حکومت آخوندها را به اجرا گذاشته اند. تقدیر چنین خواست که در یک نقطه عطف مهم این روند نزدیکی، کشتار زندانیان سیاسی ایران به نحوی بی سابقه پرده تزویر آزادیخواهی دروغین فرب را کنارزند.

می گویند گنشر برای سفر به ایران، این پیش شرط را گذاشته بود که جمهوری اسلامی در مورد گروگان های فربیی در لبنان، آماده مذاکره باشد. آقای گنشر موفق شد. دل آخوندها به رحم آمد. لابد می خواهند به شرکای تازه از راه رسیده، هدیه کریسمس بدهند. صحنه های شادی از آزادی گروگان ها بر صحنه تلویزیون، با بیانیه هایی که در پایتخت های فربیی منتشر خواهد شد، تکمیل میشود: "ما ضمن ابراز خوشحالی از آزادی گروگان ها، از دولت ایران که به دلایل انساندوستانه به این امر کمک کرد، تشکر می کنیم."

آری، خمینی، رفسنجانی و سایرین، آنجا که لازم باشد، دل رحم و رئوفند. مگر می شود روی دوستان آلمانی را زمین انداخت؟

در مقابل، آقای گنشر و همراهان، از خواهش دوستان ایرانی خود در مورد شرکت آلمان فدرال در "بازسازی"، باروی باز استقبال کردند. البته لازم آمد که وزیر خارجه دولت بن، در جلوی دوربین ها در تهران، ژست بسیار

AKSARIYAT
EXTRA
WED, 1 DEC 88

صاحب بانک

AUSTRIA WIEN
BAWAQ
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER